

زکات جامع؛ تبیین فرا مالی بودن خطابات «آتوا الزکات» و آثار آن در قرآن و روایات

امین فتحی^۱

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش، تبیین فراگیری مسئله زکات از آیات اخلاق اقتصادی و اجتماعی قرآن کریم، به عنوان کتابی جهانی و پاسخگویی نیازهای ثابت و متغیر زندگی، همگام با تحولات جوامع بود. **روش:** این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی، مسئله زکات جامع را بر این اساس که هر چیزی زکاتی دارد، از دیدگاه آیات قرآن و روایات بررسی کرده است. **یافته:** مقصود از ادای زکات که هم تراز نماز قرار داده شده، «زکات جامع» است که محدود به اموال یا مختص قشر خاصی نیست و شامل همه مسائل زندگی است. **نتیجه:** هم‌پوشانی مفهومی زکات با صدقات، انفاق و احسانات و تعمیم آن بر دیگر مصادیق، نظیر زکات علم، جاه، عقل، خانه، نعمت، قدرت، جمال و ...، در تضمین طهارت مالی و پاکی تولد، تلطیف عواطف، گشایش در عقده‌های محرومان و درمان خصلت‌های بخل و طمع و پرورش صفات گذشت و ایثار، نقش بسزایی دارد؛ لذا پیوسته به زکات همراه نماز، سفارش شده است.

واژگان کلیدی: همتای نماز، زندگی مؤمنانه، آتو الزکاه، زکات جامع.

الف) مقدمه

رسالت انبیای الهی، رساندن انسان به مقام بندگی از مسیر توحید، آراستگی به اخلاق و نیک رفتاری است. مکتب اجتماعی قرآن، منطبق بر فطرت توحیدی، علاوه بر راهبردهای حاکمیتی، مجموعه وظایف مالی و عملی را بر عهده متدینین نهاده است که با کاربست آنها، چرخه نیازهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه تکمیل می‌شود؛ لذا تشریح تکالیفی مثل صدقات، انفاق و احسانات، فقط برای ثواب اخروی نیست، بلکه تأثیرات ملموسی در زندگی دارد؛ به خصوص مسئله فراگیر زکات که همپای نماز در قرآن مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

جستجو در مجلات مرتبط، کتابخانه‌ها و منابع اینترنتی در موضوع پژوهش نشان داد کتاب، تحقیق یا مقاله‌ای همسو با عنوان پژوهش انجام نشده است و پژوهش‌های موجود، بیشتر به مباحث فقهی در تحدید یا توسعه اموال مشمول زکات و آثار آن پرداخته‌اند. البته کتب و مقالاتی مرتبط با برخی از ابعاد موضوع؛ مانند زکات باطنی (ایروانی، ۱۳۹۴)، فلسفه احکام در قرآن (بهرامی، ۱۳۷۴)، نقش تربیتی زکات در سبک زندگی اسلامی (بختیاروند و همکاران، ۱۳۹۵). چاپ و منتشر شده است.

با دقت فقهی و تأمل در منابع مربوط با موضوع زکات، روشن می‌شود که مقصود از ادای زکات در قرآن، مالی نبوده و همه مصادیقی را که در روایات به آنها اشاره و به برخی دیگر تصریح شده، در بر می‌گیرد و خطاب «اتوا الزکات» در کنار اقامه نماز، فقط برای کشاورزان یا قشر خاصی نیست و زکات در همه مسائل زندگی را شامل می‌شود. در زکات مالی نیز تعیین موارد زکات به دست حاکمان معصوم در زمان خود، دیدگاه درستی است؛ لذا تبیین مبانی و آثار اجتماعی مسئله فراگیر زکات می‌تواند در خروج این فریضه بزرگ الهی از غربت مفید واقع شود.

تحقیق حاضر بر این فرضیه استوار است که ادای زکات، محدود بر اموال نیست و سفارش مکرر بر زکات همراه با نماز و تأکید بر ادای زکات توسط همه اقشار جامعه در همه زمان‌ها، نمی‌تواند منحصر بر زکات مالی باشد. روش این جستار، تحلیلی - توصیفی و استنادات آن، کتابخانه‌ای است.

ب) بحث و بررسی

۱. مبانی مالی و اخلاقی مسئله

خداوند متعال، صاحب اصلی اموال (نور: ۳۳) و دارایی از اسباب زندگانی (کهف: ۸۴) و موجب برپایی امور (نسا: ۵) است؛ لذا مردم را با ضوابطی، مالک اموال خود قرار داده تا ضمن صیانت، از منافعش نیز بهره‌مند شوند؛ و بر اساس حکمت‌هایی، برخی را در روزی بر دیگری برتری بخشیده است (نحل: ۷۱). در عین حال، اموال برای فتنه (انفال: ۲۸) و ابتلا و آزمون در داشته‌هاست (انعام: ۱۶۵)؛ لذا از انباشت ثروت، نهی فرموده (توبه: ۳۴)؛ زیرا حبّ مال (فجر: ۲۰) و تکاثر اموال (حدید: ۲۰)، انحراف است و گردش آن را بین مردم لازم شمرده است (حشر: ۷). با بینش‌های صحیح، راه را برای شکوفایی گرایش‌های عالی باز کرده است؛ لذا دنیا و بهره‌هایش را برای کسب آخرت دانسته و دعوت به احسان فرموده است (قصص: ۷۷)؛ چون آنچه فردا لازم است، مال نیست (لیل: ۱۱)، بلکه ملکاتِ اعمال و شخصیتی است که در دنیا کسب کرده (مدثر: ۳۸) «تا با قلبی سالم نزد خداوند بیاید» (شعرا: ۸۹-۸۸). مال را برای زندگی لازم؛ اما بخل، ولخرجی و وضعیت «اتراف» (غرق شدن در نعمت‌ها) را سبب سقوط می‌داند؛ لذا با سبک جامع زندگی و توجه جدّی بر مسائل جامعه و وضعیت هموعان (معارج: ۲۵-۲۴)، ادای حقوق مالی را سبب پاکیزگی مال (توبه: ۱۰۳) و جان دانسته (لیل: ۱۸) و جهاد مالی را همتای جهاد با جان، اعلام کرده (نسا: ۹۵) و مؤمنان را برادر یکدیگر خوانده است (حجرات: ۱۰). رفتار برادرانه را توصیه (بقره: ۲۲۰) و کینه‌ورزی را ممنوع (حشر: ۱۰) و احسان به دیگران را لازم دانسته است (بقره: ۱۹۵). آدمی ماهیت هیوطی دارد (بقره: ۳۶)؛ مشقّت، ترس و اندوه، لازمهٔ هیوط (طه: ۲۳) و رهایی از آن در گرو تبعیت از هادیان است (بقره: ۳۸). هدف از حضور در زمین، فرصتی برای بروز استعدادها و ظهور ارزش و جود از مسیر اختیار و انتخاب است. تن آدمی از خاک است (طه: ۵۵)؛ به زمین گرایش دارد و دلدادگی به خواستنی‌های آراسته‌شده (آل عمران: ۱۴)؛ چون «اگر غریزهٔ حبّ دنیا نبود، زندگی دوام نداشته و تولید مثلی نمی‌شد. چنین تقدیری برای این بوده که دنیا وسیلهٔ آخرت باشد» (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۹۹)؛ لذا تدابیر آیات، انسان را از حبّ دنیا، پاک و شیوه‌های گریز از این دام‌ها و صفات ظلمانی را نشان داده است.

۲. انسان و آزمندی

بُخل: یکی از رذایل اخلاقی و در حدیث جنود عقل و جهل، مقابل سخاوت است. در لغت به معنای منع و امساک آمده و ضد آن، جُود است (راغب، ۱۴۰۴). «در سورهٔ لیل، بخل در مقابل

اعطا قرار گرفته است. با توسعه فرهنگ بخل در جامعه، پایه‌های اخلاقی سست می‌شود و درمان آن، انفاق و ایثار است». (علوی‌زاده، ۱۳۹۸)

قَتور: «بگو اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید، قطعاً از بیم تنگدستی امساک کرده و به مردم چیزی نمی‌دادید؛ چراکه انسان سخت قتور است» (اسراء: ۱۰۰). این واژه از «قتر» (به معنای تنگ گرفتن در عمل است؛ چه در انفاق یا غیر آن و نقطه مقابل اسراف است. انسان بر اساس طبیعتش، متمایل به محدودیت و تضییق نفسش در قیود مادی و تمایلات دنیوی می‌شود). (همان)

هَلُوع: از ماده «هلع»، دلالت بر تمایل به لذت بردن و به ناز و نعمت زیستن دارد (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱۱). علامه در تحلیلی روان‌شناختی از این صفت می‌نویسد: «آن حرصی که جبلی انسان است؛ حریص بر خیر و نفعی که برای او باشد و لازمه حرص آن است که خود را بر دیگران مقدم داشته، از دادن به دیگران امتناع بورزد». (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۲۰: ۸۲)

شَح: بخل توأم با حرص است (راغب، ۱۴۰۴) و به چنین شخصی، «شحیح» گویند. امام صادق (ع) فرمودند: «شح از بخل شدیدتر است. بخیل از داشته خود، ولی شحیح به آنچه در دست مردم است بخل می‌ورزد؛ تا آنجا که هر چه را ببیند، آرزو می‌کند آن را - از راه حلال یا حرام - به چنگ آورد و به روزی خداوندی قانع نیست». (بحرانی، ۱۴۲۷، ج ۸)

بر اساس قرآن، خداوند سبحان هر آنچه در زندگی به مصلحت و منفعت انسان بوده و نیاز داشته، به‌وفور آماده کرده؛ اما آدمی با ظلم و کفران، این فرصت را از بین برده است (ابراهیم: ۳۲-۳۴). علامه شهید در تأثیر ردایل اخلاقی بر مسائل جامعه می‌گوید: «به همان میزان که چشم دوختن به زمین توانست انرژی‌های انسان اروپایی را در سازندگی آن سامان آزاد کند، موجب پیدایش انواع رقابت جدی در زمین و برکات آن شد. فلذا شکل‌های مختلف بهره‌کشی از همدیگر به وجود آمده، وابستگی به زمین و ثروت‌های آن موجب شد که برادر خود را قربانی کرده و او را از شریک به ابزار تبدیل کند» (صدر، ۱۳۹۵: ۲۲۷). البته واقعیت‌های موجود زندگی، این حقیقت تلخ را تأیید می‌کند: «بررسی‌های انجام‌شده از سوی مؤسسه یورو استات، بیانگر آن است که اروپا از ابتدای ۲۰۰۴ تا پایان ۲۰۱۶، با توسعه اقتصادی و دستاوردهای صنعتی مواجه بوده، اما به طرز شگفتی شاهد افزایش فقر در این منطقه بوده؛ به صورتی که اکنون یک نفر از چهار نفر اروپایی شرایط فقر را تجربه و زیر خط فقر یا محرومیت کامل زندگی می‌کند. منظور از فقر، ناتوانی افراد در تأمین نیازهای روزانه و مراجعه به مؤسسات خیریه برای یک وعده خوراک یا پوشاک است». (عزتی، ۱۳۹۶)

۳. تزکیه نفس

تزکیه در لغت، پاک کردن، به صلاح آمدن، خودستایی و رشد یافتن نفس، مال و زراعت است (رحیمی و شمس، ۱۳۷۵، ج ۱: ۳۵۱۸). تزکیه از بدی‌ها، از جمله رسالت پیامبر اسلام (ص) بوده (بقره: ۱۵۱) و مقصود آن است که «پیامبر (ص) مردم را رشد داده، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کند؛ در نتیجه در انسانیت خود به کمال رسیده و سعید زندگی کرده و با سعادت بمیرند». (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۱۹: ۳۰۶)

۴. زکات

از ماده «زکو» به معنی زیاد شدن یا رشد و نمو است که از برکت الهی در امور دنیوی و اخروی حاصل می‌شود و در باب‌های مزید، به معنی پاکی نیز آمده است؛ لذا «تزکیه» همان طهارت و زدودن آلودگی‌های اعتقادی، اخلاقی و اعمال زشت است (همان، ج ۲: ۳۳۴). معنی اصلی زکات، کنار گذاشتن و دور کردن باطل و فاسد از متن سالم بوده و مفاهیم «زیادی» و «پاکی» از آثار آن است؛ بنابراین، در تزکیه، نظر به خود عمل است؛ اما زکات، اسم مصدر بر حاصل از تزکیه است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۴). زکات در فقه، «وجوب پرداخت مقادیر معینی از برخی اموال که به حدنصاب خاصی رسیده باشد» است (اجتهادی، ۱۳۶۳: ۳۰۹). در این صورت، اطلاق زکات به خاطر افزایش مال، همراه با برکات الهی و رشد فضیلت‌های انسانی است که سبب پاکی نفس پرداخت‌کننده از آلودگی‌هایی همچون بخل می‌شود (ایروانی، ۱۳۹۴: ۲۱). از نظر علامه، قبل از وجوب زکات در مدینه، بیشتر معنای پاک کردن مال را داشته و بعد از وجوب، اسم شده بر آن مقدار مالی که پرداخت می‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۱۸: ۶). بر اساس کاربردهای قرآن، زکات به عموم تزکیه مالی اطلاق می‌شود و گاهی به اعم از تزکیه مالی و جانی (نفس).

بر اساس کتاب المعجم المفهرس، واژه زکات ۳۴ بار در قرآن کریم آمده که ۲۷ بار آن، همراه با نماز است. «وجوب زکات، از موقع وجوب نماز و از ضروریات دین است و انکار آن سبب ارتداد می‌شود» (نجفی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ۱۴-۱۳). زکات، از عبادات بوده و قصد قربت در آن شرط است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۸: ۹). همه شرایع آسمانی زکات داشته‌اند. «آمدن زکات در کنار صلاه، نشان می‌دهد که رابطه با خالق از طریق نماز و رابطه با مخلوق، با ادای زکات برقرار می‌شود» (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۵۰) و بی‌توجهی به آن دو، به باورها و رفتار افراد آسیب وارد می‌کند.

با بررسی کتب لغت و تأمل در کاربردهای آن در آیات و روایات و نظر مفسران؛ زکات با کلماتی مانند انفاق، صدقات و احسانات، نوعی همپوشانی معنایی دارد و گاهی به جای هم به کار برده می‌شوند؛ برای مثال، صدقه نامی دیگر بر زکات بوده و نوعی انفاق است و انفاق زیرمجموعه‌ای از منظومه زکات می‌باشد. همچنین برخی از واجبات مالی، نوعی صدقه‌اند و زکات محسوب می‌شوند و همه این‌ها نوعی احسان و از ویژگی محسنین می‌باشند. به بیان علامه: «زکات در صدر اسلام، اعم از معنای مصطلح بوده و صدقه را هم شامل می‌شده. فلذا مانعی نیست که مطلق صدقه و انفاق فی سبیل‌الله، زکات نامیده شود» (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۸). بیشتر مفسران، انفاق در آیات ۲۵۴ و ۲۶۷ بقره و ۳۱ ابراهیم را به زکات تفسیر کرده‌اند. (عزیزی ابرقویی، ۱۳۹۲: ۴۲)

اما این مسئله به خاطر تداخل معنایی واژگان نیست، بلکه هر تعبیری با لحاظ کردن حالات انسان، موقعیت و تأثیری که دارد؛ حقیقت شرعی و عرفی پیدا می‌کند. «انفاق»، الزام ایمانی دارد و از اوصاف متقین است (بقره: ۳)؛ اما «زکات»، وجوب فقهی داشته و کاربردش عام است. علامه عسکری در گستردگی معنایش نوشته است: «از آنجایی که در زکات، واجب بودن حق خداوند در مال لحاظ شده، می‌بینیم که همه گونه‌های صدقات و خمس واجب و غیر آنها از واجبات را در بر می‌گیرد». (عسکری، ۱۴۰۴، ج ۱: ۷۳)

یک) انواع زکات

از مجموع آیات و روایات مربوط به زکات و تأمل و تفقه در آنها به دست می‌آید که زکات مالی، شامل زکات واجب (فقهی) و زکات مستحبی می‌شود (هرگونه کمک مالی، انقافات و صدقات و هر نوع کار خیری که انسان نسبت به فقرا و نیازمندان انجام می‌دهد). بر اساس روایت امام صادق (ع)، زکات جزئی از «ماعون» بوده و پرداخت «حق معلوم» (معارج: ۲۴) غیر از زکات بوده و بسته به وضعیت افراد؛ روزانه، هفتگی یا ماهانه است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۴۹۹) و این دو، غیر از زکات و صدقه واجب است. (همان: ۵۰۰)

آن حضرت، ضمن تقسیم زکات به ظاهری و باطنی، فرمودند: «زکات ظاهری، در هر هزار درهم، ۲۵ درهم واجب است و زکات باطنی؛ یعنی وقتی برادرت به چیزی نیازمندتر از تو بود، بر خود ترجیح دهی» (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۲۳). تقسیم حضرت، دقیق‌تر از تقسیم به واجب و مستحب است. گرچه با دقت فقهی در گستره مباحث زکات می‌توان گفت: «زکات باطنی ادامه همان واجبات مالی ابتدایی است که در آیات مکی و سال‌های نخستین مدینه آمده است» (ایروانی، ۱۳۹۴: ۹۸)؛ چون در مکه، با در نظر گرفتن وضعیت نابسامان مسلمانان و

امین فتوحی ♦ ۱۰۳۱

گستره دامنه نیازها، بسته به شرایط جامعه، آیات زیادی لزوم کمک مالی توانمندان به تهیدستان و یتیمان و ... را با عنوان‌های مختلف از جمله: «زکات»، «ماعون»، «حق معلوم» و «اطعام» مطرح و با تشویق و تهدید بر آن تأکید کرده‌اند؛ اما با فقدان تشکیلاتی، نصاب معینی بر آنها قرار نگرفته و ضمانت اجرایی‌اش، ایمان و نوع دوستی بوده است؛ لذا ابتدای حضور در مدینه، وقتی از مقدار و محتوای انفاق سؤال می‌شود، می‌فرماید: آنچه زائد (بر ضروری زندگی) است (بقره: ۲۱۹). «از تو می‌پرسند که چه انفاق کنند! بگو: هر مالی را انفاق و هر کار خیری انجام دهید...» (بقره: ۲۱۵). تا اینکه نیاز حکومت نوپا سبب شد بخشی از واجبات، با جنبه حکومتی، نصاب داشته باشد که با نزول آیه ۱۰۳ توبه، به مرحله اجرا درآمد (رک: همان: ۹۶-۹۴). علامه حکیمی نیز از این دو، تعبیر به زکات رسمی و غیررسمی کرده‌اند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۳۳۹). امام صادق (ع) فرمودند: تعبیر «صدقات» مربوط به رویدنی‌ها و حیوان بوده و «زکات» مربوط به طلا و نقره و فطره است. (بحرانی، ۱۴۲۷، ج ۳)

دو) جایگاه زکات

«اسلام، گواهی دادن به توحید، پیامبری محمد، برپا کردن نماز و دادن زکات است» (مفید، ۱۳۸۳: ۱۵۲) و «خداوند نماز کسی را که زکات نپردازد، نمی‌پذیرد تا آنگاه که میان هر دو جمع کند؛ چون آن دو را با هم آورده» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۰۶). «ای بندگان خدا! با خواندن نماز در وقتش و پرداختن زکات در هنگامش، دینتان را برپا دارید» (حرّانی، ۱۳۶۳: ۱۵۳). «پنج واجب، از بزرگ‌ترین فرایض‌اند: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت که نگهبان چهار فریضه است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۳۸۸). امام کاظم (ع) فرمودند: «خداوند نماز واجب را با نماز نافله و روزه ماه رمضان را با مستحب و حج را با عمره کامل کرد و زکات را با صدقه». (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۲۹۳)

سه) مصرف زکات واجب

با نزول آیه ۶۰ سوره توبه، موارد هزینه کرد زکات نیز مشخص شد: «زکات تنها به مستمندان و درماندگان و عاملان گمارده شده بر آن و مخالفانی که با هدف گرایش به اسلام یا یاری‌دادن مسلمانان از آنان دلجویی می‌شود، اختصاص دارد و نیز در راه آزادی بردگان و پرداخت وام کسانی که از پرداخت آن ناتوانند و در راه خدا و [تأمین توشه] مسافری که در راه مانده است هزینه می‌شود...» (توبه: ۶۰). امام علی (ع) در توضیح آن فرمودند: «صدقات برای کسانی است که نه در کارهای دولتی دستی دارند و نه از ساخت‌وساز سهمی؛ نه برای

۱۰۳۲ ♦ زکات جامع: تبیین فرا مالی بودن خطابات...

تجارت و کسب و کار، سرمایه‌ای و نه از کارگری، آگاهی و توانایی‌ای؛ لذا خداوند در اموال توانگران به اندازه‌ای که قوت آنان را تأمین و گرفتاری‌شان را برطرف کند، حقی واجب کرده است». (همان، ج ۵: ۲۳)

چهار) فلسفه و آثار زکات

الف) قرب خدا و کفاره گناهان: بی‌شک، زکات یکی از واجبات عبادی است که پرداخت آن به قصد قربت، اثر تربیتی عمیقی در جان می‌گذارد. «زکات با نماز، وسیله قرب به خداوند قرار داده شده؛ لذا پرداخت از روی رغبت، کفاره گناهان است. پس اگر از روی بی‌میلی پرداخته و در قبال آن، به بهتر از آن (بهشت) چشم امید بندد، به سنت الهی نادان است و در پاداش، مغبون». (نهج البلاغه، خ ۱۹۰)

ب) حفاظت و افزایش روزی: «زکات پاک‌کننده جان و افزایش‌دهنده روزی است» (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۵۸). «هر چیزی که زکاتش را بدهی، از خطر نابودی در امان است». (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۸: ۲۶۸)

ج) افزایش درآمدهای عمومی: با توجه به مصارف زکات در قرآن، می‌توان به این نکته رسید که زکات برای هزینه‌هایی است که بر عهده دولت مقرر شده است؛ لذا به‌طور کلی، تأمین اعتبار برای کارهای عام‌المنفعه مانند خدمات پزشکی، آموزشی و امور شهری، همه مصارف زکات می‌باشند. (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۹۳)

ح) رفع فقر: «خداوند متعال در دارایی‌های توانگران به اندازه نیاز تهیدستان حقی واجب کرد». (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۴)

خ) آزمایش ثروتمندان: امام صادق (ع) فرمودند: «زکات به منظور آزمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است. اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی نیازمند نمی‌ماند». (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۹: ۱۲)

د) تطهیر جان: از اهداف اصلی هر پیامبری، تزکیه مردم است (جمعه: ۲)؛ اما تزکیه فقط به واسطه سفارش‌های اخلاقی رقم نمی‌خورد، بلکه انبیا با اجرای احکام اجتماعی، تزکیه می‌کنند. «اگر خدا خوبی بنده‌ای را بخواهد، فرشته‌ای می‌فرستد تا سینه او را مسح و قلبش را برای پرداخت زکات سخاوتمند سازد». (همان، ج ۶: ۱۰)

ذ) دفع بلا: «خداوند متعال به واسطه نماز گزاران شیعه، بلا را از شیعیانی که نماز نمی‌خوانند دفع می‌کند و اگر همه ترک کنند، هلاک می‌شوند؛ و به خاطر زکات پردازان، بلا را از

امین فتحی ♦ ۱۰۳۳

کسانی که زکات نمی‌دهند دفع می‌کند و اگر همه زکات را ترک کنند، نابود خواهند شد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۵۱)

(ر) سبب برکات: «ای کمیل! برکت در مال کسی است که زکات پرداخته، نسبت به مؤمنانِ ایثار داشته و به خویشاوندان نیکی رساند». (حرّانی، ۱۳۶۳: ۱۷۲)

(ز) رفع موانع بندگی: «ای علی! ده گروه از امت من کافر می‌شوند؛ از جمله کسانی که زکات نمی‌پردازند». (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۱۹)

پنج) زکات جامع

کاربرد زکات در قرآن کریم یکسان نیست؛ گاهی مطلق پرداخت‌های مالی - واجب و مستحب - مراد بوده و گاهی با قرائتی، زکات واجب مقصود است (توبه: ۱۰۳)؛ در برخی آیات به معنای پاکی (کهف: ۸۱) و در اکثر آیات، اعم از زکات مالی است؛ لذا در روایات متواتر، دامنه آن توسعه داده شده و برای هر چیزی زکاتی بیان شده است؛ بنابراین، در نگرش کلان واقع‌بینانه، مقصود از ادای زکات که هم‌تراز نماز قرار داده شده، «زکات جامع» بوده و شامل همه مراتب زکات می‌شود. متأسفانه امروزه «به‌وضوح احساس می‌شود که قوانین در جهان اسلام، از روح شریعت اسلامی دورافتاده و فقط در برخی از فروع احکام و ظواهر آن، همانندی دیده می‌شود» (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰)؛ لذا مصادیق زکات و مقدار آن متغیر می‌شود. در هر صورت، از مهم‌ترین وظایف مؤمنانه، مسئله زکات است. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» (مؤمنون: ۱ و ۴). آیت‌الله طیب ذیل این آیات می‌نویسد: «زکات، شامل جمیع صدقات واجبه و مندوبه، جمیع احسان‌های مالی، اطعام، کفّارات، دستگیری از بیچارگان، بذل در راه دین، اعتلای کلمه اسلام، صرف مجاهدین و طلاب علوم دینی و نجات مظلومین می‌شود؛ بلکه بالاتر از این، زکات جوارح و قدرت و کلیه نعم الهیه است» (طیب، ۱۳۹۳، ج ۱۴). امام موسی صدر با صراحت اعلام می‌کند: «زکات مال نیز نمادی از زکات در هر چیزی است؛ از تندرستی، شادی، تجربه و از نظر و بینش خود نیز به نیازمندان زکات بده و فرد تازه‌کار و ناآزموده‌ای را راهنمایی، یا نادانی را آگاه و اندوهگینی را شاد نما؛ این‌ها همه زکات است» (صدر، ۱۳۹۵: ۳۶۴). از دیدگاه جوادی آملی، زکات در این آیه، خصوص تزکیه نفس یا اعم از آن و صدقات مستحبی است؛ زیرا در ردیف مسائل اخلاقی ذکر شده است. (جوادی آملی، ۱۴۰۰، ج ۵۸)

شش) مصادیق زکات مالی

مسلمانان مقدار معینی از نه قلم کالا را به عنوان زکات می پردازند که عبارتند از: طلا و نقره، انعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) و غلات اربعه (گندم، جو، کشمش و خرما). شرایط، نصاب و مقدار پرداختی هر یک از اینها متفاوت است و در فقه تعیین شده است. علامه در تذکره، بر اتفاق نظر مسلمانان و بر اختلاف نظر در غیر موارد نه گانه تصریح داشته و صاحب جواهر از ضروریات فقه شمرده است. از نظر قاضی نعمان، زکات غیر از موارد نه گانه را هم در بر می گیرد. صاحب نظرانی نظیر شهید صدر، بر عدم انحصار زکات در موارد نه گانه تأکید کرده اند و آن را مخصوص مال معینی نمی دانند؛ لذا اجماعی بودن وجوب زکات در نه چیز، قطعی نیست (ر. ک: اسماعیلی، ۱۳۷۴). علامه جعفری شمول حکم آن را بسی دامنه دارتر دانسته و مهم ترین دلیل بر این مدعا را روایات منصوص العله در فلسفه تشریح زکات می داند که معیار وجوب زکات، فقرزدایی از جامعه اسلامی است و تا این نیاز باقی باشد، وجوبش قابل توسعه به اشیای دیگر خواهد بود (جعفری، ۱۳۷۷). زکات مال «چون مبتنی بر موضوع فقر است، بر حسب نیازهای جامعه و میانگین درآمد افراد، می تواند متغیر باشد؛ لذا زکات باید همواره در صدد جبران کمبودهای معیشتی و تقلیل فاصله طبقاتی باشد». (صدر، ۱۳۹۴: ۲۰-۲۹)

دیدگاه غیر مشهور در مصادیق زکات را می توان چنین خلاصه کرد:

۱. زکات بر همه حیوانات و اختصاص زکات نه گانه به صدر اسلام؛ یونس بن عبدالرحمن گوید: «رسول خدا (ص) زکات را ابتدا در نه چیز، سپس در همه حیوانات واجب کرد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۰۹)
۲. وجوب زکات در مال التجاره علاوه بر موارد نه گانه؛ قول شیخ صدوق و پدرش. (حلی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۷۹)
۳. وجوب زکات در عسل، زیتون و روغنی که از زمین های عشری به دست می آید؛ قول ابن جنید. (همان: ۷۱)
۴. وجوب زکات اسب ماده؛ که از ظاهر عبارات کلینی در کافی استفاده می شود. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۱۱)
۵. وجوب زکات در پول های رایج؛ صاحب کتاب فقه الامام الصادق (مغنیه، ۱۴۰۴: ۷۶). علامه جعفری نیز در تبیین آن نوشته است: «ملاک اصلی در زکات نقدین، ارزش مبادله ای

و جنبه پولی آنهاست و جنسش موضوعیت ندارد. الآن اسکناس و اوراق بهادار همان کار را می‌کند؛ بنابراین، زکات نقدین شامل پول نیز می‌شود». (جعفری، ۱۳۷۷)

۶. توسعه موارد وجوب زکات بنا بر صلاحدید حاکم اسلامی (نظری، ۱۳۸۲)؛ شهید صدر ضمن تقسیم احکام به ثابت و متغیر می‌نویسد: «این عنصر متغیر در احکام اسلام، آشکار می‌سازد که زکات به‌عنوان یک نظریه اسلامی، به مال خاصی اختصاص ندارد؛ بلکه ولی امر مسلمین می‌تواند بر هر چه ضروری بداند، آن را انطباق دهد» (صدر، ۱۳۹۵). حتی برخی از فقهای معاصر با اینکه موارد وجوب زکات را منحصر در موارد نه‌گانه دانسته‌اند، معتقدند در صورت نیاز جامعه اسلامی، ولی فقیه می‌تواند از باب عنوان ثانوی، زکات را به سایر اشیا توسعه دهد. (نظری، ۱۳۸۲)

باتوجه به اینکه در قرآن کریم، موارد تعلق زکات تصریح نشده است؛ بر اساس جایگاه تبیینی پیامبر اعظم (ص) (نحل: ۴۴) و با دقت فقهی در آیات و روایات زکات، به‌خصوص روایاتی که تعیین موارد نه‌گانه را توسط پیامبر (ص) بیان می‌دارد، به نظر می‌رسد که تعیین موارد زکات به دست حاکمان معصوم یا جانشینان آنان - در زمان خود - دیدگاه صحیحی باشد. اینکه امامان (ع) - به‌جز امام علی (ع) - در زمانه خود مصادیقی را اضافه نکرده‌اند؛ چون در رأس حاکمیت نبوده‌اند و اینکه چرا در برخی از روایات، علی (ع) برای اسب نجیب و عربی بیابان دو دینار زکات قرار دادند (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۶: ح ۱)، تأییدی بر این نظر است. به‌خصوص تعبیری که وارد شده: «رسول خدا (ص) زکات را در نه چیز سنت قرار داد و مابقی را عفو کرد» (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۳) و به‌تبع آن، این جمله امام صادق (ع): «آیا بخشیدن پیامبر جز این است که آنها بوده‌اند و بخشیده شده‌اند؟» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۶: ۳۳)؛ معلوم می‌شود که این عمل، از مقام تشریح حاکم اسلامی بوده و زکات، منحصر در نه چیز نیست؛ بنابراین، تعیین مواد نه‌گانه در زمان پیغمبر اکرم (ص) فقط به‌عنوان صلاحدید و اعمال رویه حکومت وقت بوده و با شرایط اقلیمی و زمانی سنجدیده شده است نه اینکه حکم ابدی خدا باشد. (جعفری، ۱۳۷۷)

هفت) زکات یا مالیات

بررسی و تبیین اینکه تعیین پیامبر (ص) و امام علی (ع) بنا بر اختیارات حکومتی بوده یا ولایت تشریحی، خارج از موضوع بحث است؛ اما در اینکه آیا زکات همان مالیات است یا خیر، اختلاف نظر وجود دارد. در جمع‌بندی کلان می‌توان گفت که «زکات، از احکام ثابت و اولیه شرع مقدس است؛ ولی مالیات به معنای مصطلح آن، از احکام ثانویه بوده و تابع شرایط

و مقتضیات زمانی است که آن هم به دست حاکم شرع یا ولی فقیه است. ظاهر برخی از روایات، نفی هرگونه واجب مالی به جز زکات است؛ برای مثال: چون بنده نمازهای واجب خود را بگذارد، خداوند درباره نماز دیگری از او بازخواست نمی‌کند و چون زکاتش را بپردازد، از صدقه دیگری بازخواستش نمی‌کند». (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۶: ۳۴۴)

از تقابل این واجبات و روایات مشابه این باب به وضوح استفاده می‌شود که با وجوب زکات، بقیه مصادیق نسخ نشده، بلکه استحباب دارند. گرچه ظاهر برخی از احادیث، تعبیر نسخ دارند؛ مانند «شَهْرُ رَمَضَانَ نَسَخَ كُلَّ صَوْمٍ، وَالزَّكَاةُ نَسَخَتْ كُلَّ صَدَقَةٍ» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۴۲۵)؛ اما با دقت معلوم می‌شود که نسخ واجب بودن است، نه غیر مشروع یا خارج از سنت بودن.

هشت) مبانی و ادله زکات جامع

۱. قرآن کریم، صورت زیرین کتابی است که تبیان هر چیزی است؛ لذا بیان هر چیزی در قرآن کریم وجود دارد (نحل: ۸۹). «به خدا سوگند! کتاب خدا را از آغاز تا پایانش چنان می‌دانم که گویی در دستم است. خبر آسمان، زمین، گذشته، آینده در آن موجود است؛ چراکه فرمود: بیان هر چیز در قرآن هست». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۲۹)
۲. لازمه دسترسی به تبیین، طهارت است (واقعه: ۷۹) و بر اساس آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)، اهل بیت (ع) مطهران‌اند. پس تمامی علوم و معارف ظاهری و باطنی قرآن، پیش آنها و سینه‌شان ظرف آیات الهی است. (عنکبوت: ۴۹)
۳. هرگونه قول و فعل و تقریر اهل بیت (ع)، در جایگاه تبیین قرآن مجید است. (نحل: ۴۴)
۴. اهل بیت (ع) علاوه بر تبیین قرآن، بدان استناد نیز می‌کرده‌اند و اگر سؤال می‌شد از کجای قرآن؟ نشان داده و مشخص می‌کردند. حتی فرمودند: «هر مطلبی گفتم، از من بپرسید که در کجای قرآن است تا آیه آن را معرفی کنم» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۴۹)؛ لذا منشأ و سرچشمه همه احادیث، قرآن کریم است؛ بنابراین، علاوه بر اینکه علوم مورد نیاز بشری از کتاب الهی، پیش معصومان است؛ همه بیانات و روشنگری‌ها و موضع‌گیری‌های ایشان نیز از قرآن است. وقتی از امام کاظم (ع) سؤال شد که از پیش خود چیزی می‌گویید؟ فرمودند: «حکم هر پدیده‌ای در کتاب خدا و سنت پیامبر بیان شده است». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۶۲)
۵. حال این سؤال مطرح است که: آیا این همه مصادیقی که از طرف تبیین‌گران معصومان قرآن برای زکات گفته شده است، خارج از قرآن است؟ و اگر از آیات الهی بوده، از کجای

امین فتحی ♦ ۱۰۳۷

قرآن است؟ یعنی وقتی می‌فرمایند هر چیزی زکات دارد، اگر سؤال می‌شد از کجای قرآن؛ مسلّم است که در رأس همه، به آیات «آتوا الزکاه» استناد می‌کردند.

۶. تفسیر «آتوا الزکاه» به انواع زکات، مانند سخن امام حسن عسکری (ع): «مقصود از سخن خدای متعال «وآتوا الزکاه» یعنی از مال و مقام و نیروی بدنی خود زکات بدهید». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۴۰۸)

۷. اعلام و تصریح بر اینکه برای هر چیزی زکات است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۲). امام علی (ع) (نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶)، امام صادق (ع) (ابن فهد الحلّی، ۱۴۰۷: ۷۲)، امام کاظم (ع) (حرّانی، ۱۳۶۳: ۵۴)، امام عسکری (ع) (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۴۰۸) و امامان دیگری که مصادیق غیر مالی ذکر کرده یا در کنار زکات مالی قرار داده‌اند. (همان: ۴۰۷)

۸. اصل ماده «اتی»، آمدن به راحتی و به صورت طبیعی است؛ چه لازم یا متعدی، مجرد باشد یا مزید، چه در محسوسات باشد یا معقولات (مصطفوی، ۱۳۸۵). در قرآن کریم، به معنای آمدن و آوردن آمده و از باب افعال، به معنای دادن و عطا کردن است (قرشی، ۱۳۸۶). گاهی نیز به معنی انجام دادن و بجای آوردن آمده است (شریعتمداری، ۱۳۸۴)؛ بنابراین، از نظر معنای لغوی بر هر نوع زکاتی قابل تطبیق است.

۹. در بیان صاحب‌نظران: اندیشمند معاصر، امام موسی صدر می‌فرماید: «من بر این عقیده‌ام که زکات مال، نشانه و نمادی از زکات در هر چیزی است» (صدر، ۱۳۹۵: ۳۶۴). استاد شهید در تفسیر آیه ۲۰ مزمل «وَأَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» نوشته‌اند: «مطلق صدقات است، اختصاص به این زکات متعارف ندارد» (مطهری، ۱۳۸۱: ۸۱). استاد جوادی آملی در تفسیر آیه شریفه «وَأَقِمْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۴۳) نوشته‌اند: «مراد همان زکات مالی واجب، یا اعم از زکات مالی واجب و مستحب است... زکات واجب مالی محدود بوده، ولی غیرمالی محدود نیست. از این رو، صاحب دلان بر آنند که زکات همت را همچون زکات نعمت بپردازند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۴: ۱۱۸) و از اطلاق عنوان زکات به کمک احادیثی که مصادیق را ذکر کرده‌اند، همه اقسام زکات را مشمول اطلاق آیه «آتوا الزکاه» دانسته‌اند (همان: ۱۲۴). همچنین در تفسیر «آتی الزکاه» (بقره: ۱۷۷) که بعد از «آتی المال» آمده، گرچه اتو الزکات‌های قرآن را برای مالی دانسته‌اند؛ بیان می‌دارند: «این زکات، یا خصوص تزکیه نفس است، یا اعم از تزکیه نفس و صدقات مستحبی». (همان)

۱۰. در تفسیر آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى» (اعلی: ۱۴) عموم مفسران آن را تزکیه اخلاقی و «طهارت از آلودگی‌های دنیایی مانع آخرت» (طباطبایی، ۱۳۶۵، ج ۲۰: ۳۹۳) دانسته‌اند؛ اما

در روایات، به زکات فطره نیز تفسیر شده (بحرانی، ۱۴۲۷، ج ۸: ۲۶۳) که مالی است. در عین حال، زکات فطره مصداقی از «آتوا الزکاه» بیان شده است (حویزی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۷۴). پس زکات مالی با غیر مالی به نوعی عجین شده است؛ بنابراین و به طور کلی، مقصود از ادای زکات در قرآن حکیم، محدود بر زکات مالی نیست و همه مصادیقی که در زبان روایات بر آنها اشاره و بر برخی دیگر تأکید شده، در بر می گیرد.

نه) مصادیق زکات جامع

۱. زکات مال؛

۲. زکات فطریه (فطره): «زکات فطره را واجب کرد تا روزه دار را از لغو و زشتی، پاک و خوراکی برای بینوایان باشد» (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۱۱: ۳۳۸). «زکات فطره بر هر مسلمانی، چه محتاج و چه توانگر که قدرت پرداخت فطریه دارد، واجب است». (ابن طاوس، ۱۳۷۶، ج ۱: ۴۶۵)

۳. زکات عقل: «هر چیزی را زکاتی و زکات خرد، تحمل نابخردان است». (آمدی، ۱۴۱۰: ح ۷۳۰۱)

۴. زکات علم: «زکات دانش، گذاشتن آن در اختیار کسی است که سزاوارش است و به رنج افکندن نفس در عمل به آن» (همان: ح ۵۴۵۸). «زکات دانش، نشر آن است». (همان: ح ۵۴۴۴)

۵. زکات جاه (آبرو، مقام، منزلت): «خداوند مانند زکات دارایی، زکات جاه و مقام را نیز واجب کرد» (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۵: ۲۵). «و از زکات مقام، رساندن دیگران به نیازهایی که دارند و خود امکان رسیدن به آنها را ندارند» (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۴۰۹). امام صادق (ع): «وساطت کردن، زکات جاه و مقام است». (آمدی، ۱۴۱۰: ح ۳۸۱)

۶. زکات بدن و اعضا و جوارح: «زکات بدن، جهاد و روزه است» (همان: ح ۵۴۵۲). «زکات بدن، روزه مستحبی است» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۸: ۳۲۶). «بر هر جزئی از اجزای بدنت زکاتی واجب است، بلکه بر هر تار مویی و بر هر نگاهی. پس زکات چشم، نگریستن برای عبرت گرفتن و چشم پوشیدن از نامحرم و مانند آن؛ زکات گوش، شنیدن قرآن، علم و حکمت های مفید دینی، اندرز نجات بخش، دوری گزیدن از دروغ، غیبت و نظایرش؛ و زکات زبان، نصیحت و بیداری غافلان و تسبیح و ذکر خدا و غیر آن؛ زکات دست، سخاوت از انعام خدا، نوشتن علوم و رهنمودهایی برای مسلمانان؛ زکات پا، کوشش در انجام حقوق

امین فتحی ♦ ۱۰۳۹

الهی، رفتن به دیدن صالحان، حضور در مجالس ذکر، کوشش در اصلاح امور مردم، صله رحم، جهاد و هر چه صلاح قلب و سلامت دین تو در آن باشد». (همان: ۲۴۷)

۷. زکات تندرستی: «کوشیدن در طاعت خدا». (آمدی، ۱۴۱۰: ح ۵۴۵۴)

۸. زکات نعمت‌ها: «انجام کارهای خیر». (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۸: ۲۶۸)

۹. زکات پیروزی: «گذشت» (نهج البلاغه: ح ۲۱۱) و «نیکی کردن است». (آمدی، ۱۴۱۰،

ح ۵۴۵۰)

۱۰. زکات قدرت: «انصاف داشتن» (همان: ح ۵۴۴۸) و «گذشت است». (همان: ح ۵۴۵۰)

۱۱. زکات خانه: «اتاق مهمانی». (متقی، ۱۴۱۹، ج ۱۵: ح ۴۱۵۰۴)

۱۲. زکات زیبایی: «عفت». (آمدی، ۱۴۱۰: ح ۵۴۴۹)

۱۳. زکات شرف: «فروتنی». (همان: ح ۹۳۹)

۱۴. زکات توانگری: «نیکی کردن به همسایگان و پیوند با خویشان». (همان: ح ۵۴۵۳)

۱۵. زکات شجاعت: «جهاد در راه خدا». (همان: ح ۵۴۵۵)

۱۶. زکات پادشاهی: «به فریاد ستمدیده رسیدن». (همان: ح ۴۵۲)

۱۷. زکات بردباری: «تحمل». (همان: ح ۵۴۷)

۱۸. زکات نیرو: «کمک به برادر دینی». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۴۰۶)

۵. صدقات

کاربرد گسترده زکات در قرآن، روایات و بیان فقها، شامل صدقات نیز می‌شود. صدقه از ماده «صدق» در مقابل «کذب»، تمامیت در حق و صحت از خلاف است؛ لذا صدقه، ادای مالی واجب یا مستحب فی سبیل الله برای نیازمندان بوده که عملی تمام و صحیح است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۶). در تعریف مذکور، مفهوم فقهی و عرفی صدقه لحاظ شده است؛ چون در عرف شرعی، بیشتر در پرداخت‌های مالی واجب و مستحب، کفارات، فطریه و غیره به کار می‌رود (ایروانی، ۱۳۹۴: ۳۰) و امروزه در عرف جامعه، بیشتر در انفاقات استجابی کاربرد دارد. البته در منابع دینی، صدقه کاربرد وسیعی دارد که شامل همه انفاقات، احسانات، خیرات، گذشت‌ها، اغماضات، کفارات، به خصوص «زکات واجب» می‌شود؛ که با قرینه‌های موجود در کلام، قابل تشخیص است. مشتقات واژه صدقه، ۲۰ بار در قرآن آمده است. البته مقصود از صدقه، مال داده شده و مراد از تصدق، صدقه دادن است؛ زیرا «هر کار نیکی صدقه است». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ح ۱۰۹۹۸۸)

یک) آیات صدقات

باتوجه به همپوشانی معنای لغوی انفاق، زکات و صدقه، آیاتی که در آنها واژه صدقه آمده و در آیات زکات بحث نشده است، ذکر می‌شوند.

۱. «آیا ندانسته‌اند خداست که توبه بندگان را می‌پذیرد و صدقات را دریافت می‌کند؟» (توبه: ۱۰۴)؛ که مقصود از «اخذ خدا، یعنی قبولی و ثواب دادن». (صدوق، ۱۳۸۸: ۲۰۸)
۲. «و از آنچه که به شما روزی کرده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ در رسد و بگوید پروردگارا چرا مرگم را اندکی به تأخیر نینداختی تا از اموال خود صدقه داده و از شایستگان باشم» (منافقون: ۱۰). آیه شریفه علاوه بر نکات تفسیری و ضمن دلالت بر یکسانی معنای عام انفاق و صدقه، نشانگر جایگاه نجات‌بخشی انفاق و زکات به محرومان و صالح شدن انسان است.
۳. از مشکلات جامعه به لحاظ درون دینی، حضور منافقانه برخی از مسلمانان و افراد جامعه است که به جای تشویق برای کمک به هموعان و نیازمندان، به آنان ریشخند می‌زنند؛ که خدا به آنان وعید عذاب می‌دهد. (توبه: ۷۹)
۴. «همانا مردان و زنانی که صدقه داده و به خداوند وامی نیکو داده‌اند، برای آنان دوچندان می‌شود». (حدید: ۱۸)
۵. «در بسیاری از رازگویی‌های آنان خیری نیست، مگر که کسی در آن به دادن صدقه یا انجام کاری نیک یا اصلاح میان مردم فرمان دهد». (نساء: ۱۱۴)
۶. در آیه ۳۵ سوره احزاب، ده صفت کمالی برای زنان و مردان ذکر شده است؛ از جمله صدقه. در منهج الصادقین، نکته لطیفی ذکر شده که اگر مستند به روایت باشد، بیان کسب حداقل‌ها از این صفات زیباست که خدای متعال با نظر اغماض و قبول، صاحبان چنین اعمالی را، داخل در ده ویژگی کامل محسوب می‌کند: «هر شخصی در هفته یک بار صدقه دهد، جزء **وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَ الْمُتَّصِدِّقَاتِ** باشد». (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۷: ۲۹۰)
۷. «اگر صدقات را آشکارا بپردازید، نیکوست و اگر آن را نهان دارید و به بینوایان بپردازید، برای شما بهتر است و پاره‌ای از گناهانتان را می‌زداید و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است» (بقره: ۲۷۱)؛ لذا «پسندیده است که واجبات را آشکار و مستحبات را پنهان انجام دهند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۶۰). همچنین «جلو چشم مردم، صدقه نده تا ستایش کنند؛ بلکه اگر با دست راست صدقه دادی، دست چپت خبردار نشود». (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۶: ۲۳۰)

دو) ارزش و اهمیت صدقه

در آیه ۱۰۳ سوره توبه، به فلسفه سازندگی صدقه اشاره فرموده، نه آثار اجتماعی اش؛ که سیر کردن شکم مستمندان است؛ زیرا فرمود: از اموال آنها صدقه بگیر تا آنها را پاکیزه کرده و رشد دهی، مثل گیاهی که با وجین کردن رشد بیشتری یابد (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲: ۶۹). پیامبر (ص) فرمودند: «صدقه، ده حسنه دارد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۱۰) و «روز خود را با صدقه آغاز کن تا شومی آن روز را از تو دور کند و در شب صدقه بده تا نحوست آن شب را از تو ببرد» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۹۶: ۳). «اگر صدقه، میان هفتاد هزار انسان، دست به دست شود، اجر آخرین نفر، مانند اجر اولین نفر آنهاست» (متقی، ۱۴۱۹: ح ۱۶۱۹۷). «یک درهم صدقه، از یک روز روزه مستحبی برتر است». (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۳۱۷، ح ۱۳۷۸۵)

سه) مصادیق صدقات مستحبی

صدقه، نیکی و کمکی است از طرف افراد حقیقی یا حقوقی برای بهره‌مند شدن دیگران؛ لذا امروزه می‌تواند به شکل‌های مختلف، از جمله: پول، خدمات، وسایل، غذا، کمک‌های انسان‌دوستانه، اهدای خون، پیوند اعضا، رفتار سنجیده، گشاده‌رویی، مدارا با مردم و دهها مورد دیگر باشد که مصادیقی از صدقه‌اند. پیامبر خدا (ص) فرمودند: «بر هر مسلمانی، هر روز صدقه لازم است». بعد فرمودند: «برداشتن اشیای آسیب‌زا از سر راه، نشان دادن راه، عیادت بیمار، امر به معروف، نهی از منکر، جواب سلام» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۵: ۵۰) و «هر کاری که آبرویت را حفظ کنی» (متقی، ۱۴۱۹، ج ۶: ۴۱۰) و «هر آنچه - از خوبی‌ها - به خانواده بکنی» (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۵۳۸). «سخن نیکو و لبخند به روی برادر دینی، صدقه است» (متقی، ۱۴۱۹، ح ۱۶۳۰۵). صدقه زبان که با آن از ریختن خون‌ها جلوگیری و اتفاقات ناگوار را دفع کنی» (همان: ح ۶۴۹۳) و «فهماندن سخن به ناشنوا، بدون اظهار ناراحتی، صدقه است». (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۴: ۳۸۸)

چهار) مراتب و توفیق صدقه

«بر هر مسلمی صدقه واجب است. اگر نداشت، کار کرده، صدقه دهد؛ اگر نتوانست، به غم‌زده یاری رساند؛ نتوانست، به کارهای خوب فرمان دهد و اگر نمی‌تواند، از بدی خودداری کند» (متقی، ۱۴۱۹: ح ۱۰۵۳۸) و «چنان نیست که هر کس نیکی را دوست داشته، انجام دهد و هر شخصی توانایی کار خیر داشته، اذن نیکوکاری داده شود. پس هر گاه که

«خواستن»، «توانستن» و «اجازه» (از سوی خدا) جمع شود، توفیق فراهم می‌آید». (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۱: ۴۱۴)

پنج) آثار صدقه

آبادی آخرت، باقیات صالحات، افزایش عمر، دفع و رفع بلاها و بیماری‌ها، تغییر قضا و قدر، برکات روزی و ده‌ها مورد دیگر، از برکات صدقات مستحبی است که به طور متواتر آمده است؛ زیرا «اعمال با مرگ قطع می‌شود، مگر در صدقات جاریه» (محمدی، ۱۳۹۲، ج ۸: ۱۵۰). حتی «صدقه کافر، دارایی‌اش را حفظ و بیماری‌ها را از جسمش دور می‌کند». (شعیری، بی تا، ج ۱: ۱۰۵)

ج) نتیجه‌گیری

یکی از سنت‌های الهی، مسئله ابتلای بشر است تا با اختیار و آزادی، در بوتۀ آزمایش قرار گیرد و استعدادهايش به فعلیت برسد؛ لذا خداوند با دعوت به ایمان، راه را برای شکوفایی گرایش‌های عالی باز کرده تا از حب دنیا پاک کند؛ زیرا دنیا گذرا و امکاناتش برای کسب زندگانی جاوید است و آنچه برای فردای او مفید است، ملکات اعمال و شخصیتی است که در دنیا کسب می‌کند؛ بنابراین، بخل ناپسند است و انفاقات، احسانات و گذشت، ستوده شده است و طبق سبک جامع زندگی، ضمن توجه جدی به مسائل جامعه و آگاهی از وضعیت هموعان، ادای حقوق مالی - اخلاقی را موجب پاکیزگی مال و جان آدمی دانسته است تا همه اسباب را، ابزار تکامل خود قرار دهد. پس با کاربرست احکام مالی و آداب اخلاقی - اجتماعی، چرخه نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه دینی تکمیل شده و همچون منظومه‌ای، با تأمین مهارت‌های شناختی، معنوی و رفتاری مکلفان، در تضمین طهارت مالی و پاکی تولد، تربیت نفوس، تلطیف عواطف، توزیع عادلانه ثروت، تسکین آلام نیازمندان و گشایش در عقده‌های یتیمان و محرومان، نقش بسزایی دارد و از شکاف طبقاتی، آسیب‌های اجتماعی و قرض‌های ربوی جلوگیری می‌کند. بر این اساس، تشریح احکام و دستوراتی از قبیل انفاقات، احسانات و صدقات، به‌خصوص مسئله فراگیر زکات، صرفاً برای ثواب اخروی نیست؛ بلکه تأثیرات مثبت و عینی فراگیری در زندگی مؤمنان دارد.

با بررسی کتب لغت و تأمل در کاربردهای زکات در آیات و روایات و نظر مفسران؛ زکات با موضوعات مشابهی مانند انفاق، صدقات و احسانات، نوعی همپوشانی معنایی دارد و گاهی به‌جای همدیگر به کار برده می‌شوند. با در نظر گرفتن جایگاه تبیینی قرآن مجید

امین فتیحی ♦ ۱۰۴۳

توسط اهل البیت (ع) و تفسیر «آتوا الزکاه» به انواع زکات و تصریح بر اینکه هر چیزی زکاتی دارد؛ از نظر ادبی نیز «آتوا الزکاه» بر هر نوع زکاتی قابل تطبیق است. همچنین سفارش مکرر بر ادای زکات - توسط زن و مرد، کوچک و بزرگ - در همه زمان‌ها و آمیختگی زکات مالی با غیر مالی در آیات و تصریح برخی از صاحب‌نظران بر اینکه زکات مال، نمادی از زکات در هر چیزی است؛ مقصود از ادای زکات در قرآن که هم‌تراز نماز قرار داده شده، منحصر بر زکات مالی نیست و شامل همه مراتب (زکات جامع) می‌شود. زکات مالی نیز منحصر در موارد نه‌گانه نمی‌باشد؛ لذا در قرآن کریم، پیوسته به نماز همراه زکات، به‌عنوان نمادی از حقوق الهی و مردم سفارش شده است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمدرضا صفوی (۱۳۸۴). قم: نشر معارف.
- نهج البلاغه. ترجمه حسین انصاریان (۱۳۷۹). تهران: پیام آزادی.
- آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ ق). غرر الحکم. تهران: دارالکتب اسلامی.
- ابن طاوس، علی بن موسی (۱۳۷۶). الاقبال. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). وضع مالی و مالیه مسلمین. تهران: سروش.
- اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۴). «موارد وجوب زکات و خمس». فقه، ش ۳.
- ایروانی، جواد (۱۳۹۴). زکات باطنی. مشهد: دانشگاه رضوی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۴۲۷ ق). البرهان. بیروت: مؤسسه اعلی.
- بختیاروند، مریم و همکاران (۱۳۹۵). «نقش تربیتی زکات در سبک زندگی». بصیرت و تربیت، ش ۳۷.
- رحیمی، ف؛ و م. شمس (۱۳۷۵). «تزکیه». دانشنامه جهان اسلام. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
- بهرامی، محمد (۱۳۷۴). «فلسفه احکام در قرآن». پژوهش‌های قرآنی، ش ۳.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۷). رسائل فقهی، ج ۱. تهران: کرامت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ و ۱۴۰۰). تفسیر. قم: اسرا.
- حرّانی، ابن شعبه (۱۳۶۳). تحف العقول. تهران: علمیه اسلامیة.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳ ق). وسائل الشیعه. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- حلّی، جمال‌الدین ابن فهد (۱۴۰۷ ق). عده الداعی. بیروت: دارالکتب العربی.
- حویزی، ابن جمعه (۱۳۸۴). تفسیر نورالثقلین. قم: دارالتفسیر.
- حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۸۰). الحیات. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۰۴۴ ♦ زکات جامع: تبیین فرا مالی بودن خطابات...

- راغب، حسین بن محمد (۱۴۰۴ ق). **المفردات فی غریب القرآن**. قم: دفتر نشر کتاب.
- شعیری، محمد (بی تا). **جامع الاخبار**. نجف: مطبعه حیدریه.
- شریعتمداری، جعفر (۱۳۸۴). **شرح لغات قرآن بر اساس تفسیر نمونه**. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۵). **اسلام، راهبر زندگی**. ترجمه مهدی زندیه. تهران: دارالصدر.
- صدر، موسی (۱۳۹۴). **ادیان در خدمت انسان**. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام صدر.
- صدوق، ابوجعفر محمد (۱۳۸۸ ق). **من لایحضره الفقیه**. بیروت: اعلمی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۵). **المیزان فی تفسیر القرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، ابوعلی (۱۳۸۰). **الاحتجاج علی اهل اللجاج**. مشهد: مرتضی.
- طبرسی، ابوعلی (۱۳۶۱). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، ابوجعفر (۱۳۹۰ ق). **الاستبصار**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر (۱۳۶۵). **التهذیب**. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۹۳). **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**. قم: سبطين.
- عزتی، عماد (۱۳۹۶). «افزایش فقر در اروپا». جام جم، ش ۴۸۸۷.
- عزیزبوی ابرقویی، ابوالفتح (۱۳۹۲). **انفاق در قرآن**. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عسکری، مرتضی (۱۴۰۴ ق). **مقدمه مرآه العقول**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- علوی زاده، سید محمد (۱۳۹۸). «معناشناسی مفهوم بخل». پایگاه گناه‌شناسی: <https://nidamat.com/?p=327>
- عمید زنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی زاده (۱۳۹۳). **بایسته‌های فقه سیاسی**. تهران، مجد.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). **تفسیر نور**. تهران: درس‌هایی از قرآن.
- کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۳۳۶). **منهج الصادقین**. تهران: کتابفروشی علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). **الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامی.
- متقی، علی (۱۴۱۹ ق). **کنز العمال**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۸ ق). **بحار الانوار**. لبنان: داراحیاء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). **بحار الانوار**. لبنان: مؤسسه الوفاء.
- محمدی، محمد (۱۳۹۲). **میزان الحکمه**. تهران، دارالحديث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). **آشنایی با قرآن**. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۱). **تفسیر نمونه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. تهران: نشر آثار علامه مصطفوی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۸۳). **امالی**. بیروت: دارالتیارات و دارالمرتضی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۷ ق). **جواهر الکلام**. بیروت: إحياء التراث العربی.

- نظری، مهدی (۱۳۸۲). «مبانی نظریه عدم انحصار وجوب زکات». مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۴.

- **Holy Quran**. Translated by Mohammad Reza Safavi (2005). Qom: Maarif publishing house.
- *Nahj al-Balagheh*. Translated by Hossein Ansarian (2000). Tehran: Payam Azadi.
- Alavizadeh, Seyyed Mohammad (2019). “**Semantics of the concept of miserliness**”. *Sinology database*. Article link: <https://nidamat.com/?p=327>.
- Amedi, Abdulvahed (1989). **Gharral-Hakim**. Tehran: Islamic Library.
- Amid Zanjani, Abbas Ali & Ibrahim Mouszadeh (2014). **Essentials of political jurisprudence**. Tehran: Majd.
- Askari, Morteza (1983). **Introduction to the merat al-ogool**. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Azizi Abarquai, Abul Fatah (2013). **Infaq in the Qur'an**. Tehran: Imam Sadiq University.
- Bahrami, Mohammad (1995). “**Philosophy of Commandments in the Qur'an**”. *Qur'anic Researches*, No. 3.
- Bahrani, Seyyed Hashem (2006). **Al-Borhan**. Beirut: Aalami Institute.
- Bakhtiarvand, Maryam et al. (2016). “**Educational Role of Zakat in Lifestyle**”. *Basirt and Tarbiat*, No. 37.
- Ezzati, Emad (2017). “**Increasing poverty in Europe**”. *Jam Jam*, No. 4887.
- Hakimi, Mohammad Reza & et al. (2001). **Al Hayat**. Translated by Ahmad Aram. Tehran: Farhang Islamic Publishing House.
- Harrani, Ibn Shuabah (1984). **Tohf al-Aqool**. Tehran: Islamic Science.
- Hawizi, Ibn Juma (2005). **Tafsir Noor al-Saqlain**. Qom: Dar al-Tafsir.
- Helli, Jamal al-Din Ibn Fahd (1986). **Oddat-Da'i**. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Hor Ameli, Mohammad bin Al-Hassan (1982). **Vasael al-Shia**. Tehran: Maktabeh al-Islamiya.
- Ibn Tавus, Ali Ibn Musa (1997). **Al-Iqbal**. Qom: Islamic Propaganda Office.
- Ijtihadi, Abolqasem (1984). **Financial situation and finance of Muslims**. Tehran: Soroush.
- Irvani, Javad (2015). **Zakat Bateni**. Mashhad: Razavi University.
- Ismaili, Ismail (1995). “**Cases of Obligation of Zakat and Khums**”. *Jurisprudence*, No. 3.
- Jafari, Mohammad Taqi (1998). **Rasail Feqhi**, Vol. 1. Tehran: Karamat Publishing House.
- Javadi Amoli, Abdullah (2008 & 2021). **Tasnim**. Qom: Isra.
- Kashani, Molla fathullah (1957). **Manhaj al-Sadeghin**. Tehran: Scientific bookstore.
- Koleyni, Muhammad bin Yaqub (1986). **Al-Kafi**. Tehran: Dar al-Kitab al-Islami.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1948). **Bihar al-Anwar**. Lebanon: Darahiya al-Tarath al-Arabi.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1982). **Bihar al-Anwar**. Lebanon: Al-Wafa Institute.
- Makarem Shirazi, Nasser, et al. (2002). **Tafsir Nomoneh**. Tehran: Dar Al-Katb al-Islamiyeh.
- Mohammadi, Mohammad (2013). **Mizan al-Hikma**. Tehran: Dar al-Hadith.
- Motaghi, Ali (1998). **Kanzal-e-Amal**. Beirut: Darul-Kitab Al-Alamiya.
- Motahari, Morteza (2002). **Getting to know the Quran**. Tehran: Sadra.
- Mufid, Mohammad bin Mohammad (2004). **Amali**. Beirut: Dar al-Tiyar and Dar al-Mortaza.
- Mustafavi, Hassan (2006). **Researching the words of the Holy Qur'an**. Tehran: publication of the works of Allameh Mustafavi.
- Najafi, Mohammad Hassan (1947). **Jawaher Al-Kalam**. Beirut: Revival of Arab Heritage.
- Nazari, Mehdi (2003). “**Fundamentals of the non-monopoly theory of obligatory zakat**”. *Articles and reviews*, No. 74.
- Qaraati, Mohsen (2004). **Tafsir Noor**. Tehran: Lessons from the Qur'an.
- Ragheb, Hossein bin Muhammad (1983). **Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an**. Qom: Book Publishing House.
- Rahimi, F. & M. Shams (1996). “**Tazkiyeh**”. *Encyclopaedia of the Islamic World*. Tehran: Islamic Encyclopaedia Foundation.

- Sadouq, Abu Jaafar Muhammad (1967). **Man La yahzaro Al-Faqih**. Beirut: A'lami.
- Sadr, Musa (2015). **Religions in Human Service**. Tehran: Imam Sadr The institution cultural research.
- Sadr, Seyyed Mohammad Baqer (2016). **Islam, the guide of life**. Translated by Mehdi Zandieh. Tehran: Dar al-Sadr.
- Shayiri, Mohammad (No Date). **Jame Al-Akhbar**. Najaf: Heydariyeh Press.
- Shariatmadari, Jafar (2005). **Explanation of Quranic words based on sample interpretation**. Mashhad: Islamic Research Foundation.
- Tabarsi, Abu Ali (2001). **Al-Ihtjaj Ala Ahl ahl-Ijazz**. Mashhad: Morteza.
- Tabarsi, Abu Ali (1982). **Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Tehran: Naser Khosro.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1986). **Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an**. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Tayeb, Seyyed Abdul Hossein (2014). **Atyab al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Qom: Sabtain.
- Tousi, Abu Jaafar (1970). **Al-Estebzar**. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Tusi, Abu Jaafar (1986). **Al-Tahzeib**. Qom: School of Islamic Studies.

